

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

۲۶ سپتمبر، ۲۰۲۶

به اهتمام ملالی موسی نظام

رساله سایه اندر آفتاب

اثر: لیلا رشتیا عنایت سراج

قسمت اول



لیلا رشتیا عنایت سراج حین مصاحبه با یکی از خانم های متعلق به کتاب خانه کانگرس امریکا

پیشگفتار:

رساله «سایه اندر آفتاب» که اثریست از خانم نویسنده افغان مرحومه «لیلا رشتیا عنایت سراج»، در حقیقت تحقیق مختصری است از حیات پر بار مولانای بلخ حضرت خواجه جلال الدین محمد بلخی ملقب به «رومی» که با تحقیق و باور مندی صادقانه به آن شخصیت والای ادب و عرفان مشرق زمین تحریر گردیده است. این اثر خواندنی به نکات برآزنده در احوال مولانا و شگفتگی های دوران مختلفه حیات عرفانی و ادبی وی میپردازد که از منابع مختلفه گرد آوری و تنظیم گردیده است.

گرچه متأسفانه با نبود سهولت های مطبوعاتی امروزی در زمان نشر این اثر، اینجانب از روی متن رساله اقدام به تهیه صفحات آن برای پیشکش به خوانندگان عزیز می نمایم. خانم لیلا رشتیا عنایت سراج در خانواده با فضل و معرفت در شهر کابل متولد گردیده و تعلیمات مکتب را تا درجه بکلوریا در لیسه عالی ملالی به اتمام رسانید. وی در دوران اقامت در قاهره با شامل گشتن در پوهنتون امریکایی آنجا موفق به اخذ دیپلوم در شق اقتصاد و علوم سیاسی از آن مرکز علمی گردید.

وی بعد از برگشت به وطن مأمور مؤسسه ملل متحد در کابل شد و بعد تر برای تحصیلات عالی و بدست آوردن ماستری در شق حقوق بینالملل عازم شهر شیکاگوی ایالات متحده امریکا گردید. با اوضاع نا فرجام افغانستان و کودتای ۲۶ سرطان، خانم لیلا رشتیا عنایت سراج با مأموریت در ملل متحد به دفتر آن مرسسه در شهر جینوای سوتزرلاند مقرر گردید و تا زمان تقاعدی به امور مختلفه در آن مؤسسه مصروفیت داشت.

لیلا رشتیا در سال های مهاجرت به اروپا به نویسندگی، تحقیق و مطالعات در امور افغانستان، ادبیات دری منجمله شعر و پارچه های ادبی آثار بزرگان پرداخته و چون یک شخصیت خبره و آگاه به مسایل سیاسی و اجتماعی کشور شناخته میشد، در کنفرانس ها و مجالسی که در زمینه موضوعات مربوط به افغانستان در ممالک مختلفه دایر میگردید، دعوت میشد و یا بصورت وظیفوی به نمایندگی از دفتر مربوطه خویش ارسال میگردید.

با علاقمندی و دسترسی خانم لیلا رشتیا عنایت سراج به ادبیات دری، در حالیکه وی موفق به گرفتن دیپلوم ادبیات از یونیورسیتی «کمبرج» هم شده بود، توانست تا در پهلوی ترجمه در حدود ۲۰ قطعه شعر دری کلاسیک به انگلیسی و قسماً به فرانسوی، قسمتی از اشعار «رابعه بخی» قدیمترین شاعره دری زبان کشور ما را هم به مناسبت «سال زن»، در سال ۲۰۰۰ میلادی ترجمه و تنظیم نماید که از جانب مؤسسه ملل متحد در ژنو قدردانی و استقبال گردید.

خانم لیلا در امور افغانستان سهم فعال داشت، در پهلوی تحقیق و مطالعات در زمینه اوضاع نا بسامان چهار دهه اخیر، مقالات و مطالب تحقیق، سیاسی و اجتماعی زیادی را به السنه دری و انگلیسی به نشر سپرده است.

یکی از بهترین آثار ترجمه این خانم وطن دوست از کتاب معروف «جنگ های ارواح» اثر معروف «ستیف کول» آمر تشکیل سی آی آ در منطقه و برنده جایزه معتبر «پولیتزر» میباشد که در آن عملیات مخفی امریکا و وابستگی «احمد شاه مسعود» به آنان را به وضاحت افشاء میسازد.

خانم لیلا در سال ۲۰۲۲ میلادی یعد از یک مریضی طولانی در شهر ژنو سویس دار فانی را وداع نمود و مانند هزاران هموطن دیگر در غربت و دور از وطن، در جوار پدرش مرحوم سید قاسم رشتیا و برادرش، داکتر سید احسان الله رشتیا به خاک سپرده شد. با تشریحات مختصری از تاریخچه حیات خانم لیلا رشتیا عنایت سراج که ذکر گردید، حال، میرویم به سراغ اثر عرفانی وی به عنوان «سایه اندر آفتاب» که تحقیقیست مختصر از احوال حضرت مولانا جلال الدین بلخی عارف و سخن سرای ارجمند سرزمین ما. م. م. نظام.

سایه اندر آفتاب



تاریخ تألیف رساله: ۴ جون، ۱۹۹۶ – ۱۰ جوزا، ۱۳۷۵

دیباجه:

فشرده شخصیت مولانا از نگاه دیگران:

یکی از بزرگترین شعرای عرفانی زبان دری و نابغه ادبیات جهانی، مولانا جلال الدین محمد بن الحسین البلخی مشهور به «رومی» که در ششم ربیع الاول سال ۶۰۴ هجری قمری «مطابق به ۱۲۰۷ میلادی» در شهر بلخ افغانستان متولد و در پنجم جمادی الاخر سال ۶۷۲ هجری قمری «مطابق به ۱۲۷۳ میلادی» در شهر قونیة واقع اناتولیه، پدرود حیات گفته و در همان جا به خاک سپرده شد. این «نادره عنقا» در عین زمان عالم منوری بود که در زمان (Saint Louis) بم اتوم را پیش بینی نموده بود کهگاهی هم به این شخصیت بی همتا لقب پیامبری داده اند که بدون شک اشعار ملکوتی وی را در عالم ادبیات و عرفان جهانی غیر قابل مقایسه میدانند.

پیشگفتار:

نخستین برخورد و آشنایی من با «دیوان کبیر»:

الف – میلاد ثانوی یا برخورد صاعقه آسای مولانا با شمس:

ب – صنایع شعری: قالب شکنی و میناگری های خیال:

- نو آوری در شعر

- تشخیص

- تنوع تعبیر

- اصالت سبک

پ – وحدت حال

سطوری از مرحوم سید قاسم رشتیا به دخترش لیلا رشتیا عنایت سراج:

گمان مبر که به پایاین رسید کار مغان هزار دانه نا سفته در رگ تاکست

دختر عزیزم لیلا،

از خواندن مقاله زیبا و گیرای تو درباره وجوه گوناگون ادبی، فلسفی و عرفانی آثار گرانبهای مولانا جلال الدین بلخی «رحمته الله الیه» محظوظ و مسرور گردیدم. محظوظ از اینکه برای پرورش قریحه خدا داد خود چکیده های اندیشه والای چنین شخصیت بزرگ و چنین یک انسان پرشور و مالک عالی ترین عواطف بشری را انتخاب کرده یی، مسرور از آنکه در اولین قدم خود درین حقیقه پر بار و پهناور، موفق به چیدن میوه های خوشگوار و نایاب گردیده یی که چشیدن آن راه را برای غوطه ور شدن اندر ژرفنای بحر بی پایان افکار و تخیلات ملکوتی مولانا سهل میگرداند و از ورای امواج خروشان و غلطان، آن «آفتاب حقیقت» را در نظر جلوه گر میسازد.

به قول علامه اقبال:

بوعلی اندر غبار ناقه گم دست رومی پرده محمل گرفت

شک نیست که درین راستای نا پیدا کنار، راه دور و درازی را در پیش داری که هر قدم آن انباشته از رموز پیچ اندر پیچ است. ولی برای آنانیکه برای خود جرأت داخل شدن درین عالم

لاهوئی را داده میتوانند، به یقین روح بزرگ مولانا خود چراغ راه رهنوردان راستین این قلمرو افسانوی میگردد.

عنوانی را که برای این اثر انتخاب نموده یی، نه تنها زیباست، بلکه یکی از تجلی های اندیشه عرفانی مولانا را تمثیل می نماید و توانسته یی چنانیکه شایسته یک شاگرد نو آموز این دبستان پر آوازه و پر ثمر است، آنرا در قالب الفاظ و عبارات شیوایی افاده نمایی.

من در حالیکه این موفقیت ترا از صمیم قلب مبارکباد میگویم، دعا میکنم که خداوند بزرگ ببرکت روحانیت مولانا که بحق از بندگان خاص اوست، ترا قدم بقدم درین طریق خجسته و پر برکت موفق و کامگار داشته باشد. حضرت میرزت عبد القادر بیدل میفرماید:

رمز آشنای معنی، هر خیره سر نباشد طبع سلیم فضل است، ارث پدر نباشد

نیستی در هست، آیین منست گم شدن در گم شدن، دین منست
گم شدن چون سایه اندر آفتاب یا چو بوی گل در اجزای گلاب

سوال پیدا خواهد شد که چرا از بین کم و بیش ۷۵ هزار بیت مولانا جلال الدین محمد بلخی، جزوه مصرع بیت فوق را برای عنوان این مختصر برگزیده ام. دو ملاحظه مرا براین انتخاب واداشت: یکی اینکه به عقیده من «دیوان کبیر» مانند «مثنوی معنوی» در دو قلمرو دو معنی، جداگانه و موازی در حرکت است، یکی معنی ظاهری و دیگری معنی باطنی که در عین حال میتوان آنرا وصف روح پر تلاطم شاعر نامید و از تباین و تقابل صورت و معنی مقصود اصلی «دیوان کبیر» چون «سایه اندر آفتاب» گاهی پیدا و گاه پنهان است؛ طوریکه از انتزاع این دو نمیتوان جز به یگانگی آنها اندیشید.

سایه خویشی فنا شو در شعاع آفتاب چند بینی سایه خود، نور او را هم ببین
هم چنان و اقرب احتمال آفتاب در «دیوان کبیر» اشاره به شمس تبریز است، چنانچه مولانا درین باره میفرماید:

تو آفتاب و دلم همچو سایه در پی تو دو چشم در تو نهان است گشته هر جایی
جای دیگری: بیا که چشمه خورشید زیر سایه تست

ادامه دارد